

به نام خداوند جان و خرد

گزارشی از جشن سدره پوشی و بازگشت دوباره ی ایرانیان به آیین نیاکان خود.

در روز دی به مهر - ماه امرداد - سال 3742 برابر با 01-08-2004 جشن سدره پوشی و گردهمایی با شکوهی در کشور نروژ برگزار شد. در این گردهمایی نخست چامه ای دینی و میهنی را یک بانو که خود سروده بودند خواندند و پس از آن موبد سخن گفتند و پرسشها را پاسخ دادند. پس از آن نوزودان (بازگشتگان) پیرامون سفره ی سپید ویژه که با افروزه و میوه خشک و گل آراسته بود گرد آمدند و سدره بر تن داشتند. اوستای کشتی از سوی موبد خوانده شد و نوزودها یکی پس از دیگری آیین و پیمان وفاداری با آیین نیاکان خود را خواندند و مادامی که اشک شادی می ریختند کشتی را به میان بستند. از آنجایی که سدره پوشان بزرگسال بودند و سالها در آرزوی این بازگشت بزرگ مانده بودند در دلشان شادی دگری بود و آنجا که کشتی را روی دستهای بر افراشته نگاه داشته بودند و می خواستند بگویند انگیزه ی این بازگشت چیست توان سخن گفتن نداشتند چون اشکها پروانه نمی دادند. دیگر مردمانی که در جشن بودند نیز با نوزودان اشک شادی ریختند و آنها را به آغوش کشیدند و بازگشتشان را خجسته گفتند و همگی شاد گشتند.

انجمن بزرگ بازگشت می کوشد که با همیاری و همکاری انجمن ها و همدینان دیگر راه بازگشت را برای کسانی که در دل زرتشتی شده اند فراهم سازد و در برون هم خود را زرتشتی بدانند. و اینها کم نیستند. به انگیزه ی درخواست بیشتر ایرانیان به زودی نیز جشنی دیگر را در پایتخت نروژ - اسلو برگزار می کنیم. و در ماه های آینده نیز در کشورهای دیگر به یاری اهورا مزدا جشنهای سدره پوشی را برگزار می کنیم. از مهربانانی که با ما در پیوند بودند در پیرامون کشور نروژ مانند کشور سوئد دانمارک انگلیس آلمان و... زندگی می کنند و آرزو داشتند که سدره پوش شوند و به کیش کورش و داریوش و خشایار در آیند خواهشمندیم که اگر می توانند به اسلو رهسپار شوند. برای دانستن بیشتر و چگونگی پرواز به اسلو با ما در پیوند باشید. از همکیشان و هم میهنان خواهشمندیم که پیشنهادهای خود را برای ما بفرستند.

به یادبود آن 100.000 پاکبازان ایرانی که در جنگ نهاوند تا واپسین دم از ایرانشهر و کیش راستی نگاهیانی کردند و تا واپسین تن ایستادند و جان دادند. تازیان آن روز درفش کاویانی را که نماد شناسنامه ی ایرانیان بود زیر پاهایشان لگدمال کردند ولی ندانستند که این درفش و پرچم در دل هر ایرانی بلند بر افراشته است و هرگز نمی افتد.

بس کس که ز زرتشت بگردید دگر بار
ناچار کند رو به سوی قبله زرتشت
(دقیقی توسی)